

## خبر

**ثبت ۲۸۷۸۱ فوتی کرونایی تا اردیبهشت ۱۴۰۰ در تهران**

● ایسنا: بررسی‌ها نشان می‌دهد آمار فوت‌شدگان به علت کرونا با احتمال کرونا براساس جواز فوت صادرشده از سوی پزشکان از ابتدای اسفند سال ۱۳۹۸ تا پایان روز ۱۴ اردیبهشت سال ۱۴۰۰ شامل ۲۸۷۸۱ متوفی (۱۷۳۶۲ مرد و ۱۱۴۱۹ زن) در سایت سازمان بهشت زهرا(س) ثبت شده که در این میان، ۲۰۳۹۴ متوفی در سازمان و در قطعات مورد درخواست خانواده و بستگان متوفی که متقاضی آن بوده‌اند دفن شده و تعداد ۸۳۸۷ متوفی به خارج از سازمان (شهرها و شهرستان‌ها) حمل و انتقال داده شده‌اند. سازمان بهشت زهرا(س) در اواخر بهمن ۱۳۹۸ با تجربه حاصل از انجام امور متوفیان ناشی از بیماری H1N1 که از مهرماه ۹۸ تا آن روبه‌رو بوده و با پذیرش اولین متوفی ناشی از کرونا، به سرعت وارد فاز پیش‌بینی و طراحی تجهیزات لازم جهت پیشگیری و مقابله با بحران احتمالی قبل از همه دست‌گامها و ارگان‌ها شد؛ به‌طوری‌که در همان ساعات اولیه تشخیص بحران احتمالی با تشکیل ستاد بحران و پیشگیری و مقابله با بحران احتمالی قبل از همه دست‌گامها و ارگان‌ها شد؛ به‌طوری‌که در همان ساعات اولیه تشخیص بحران احتمالی با تشکیل ستاد بحران و پیشگیری و مقابله با ویروس کرونا، نسبت به برگزاری جلسات کارشناسی اقدام و از روش‌های منظمی برای پیش‌بینی همه احتمالات و نقاط بحران خیز و آسیب‌پذیر استفاده و در این راستا و برای اولین بار دستورالعمل و شیوه‌نامه درون‌سازمانی عملیات مدیریت اجساد براساس تجربیات و با ویژگی حفظ سلامت و بهداشت محیط و پرسنل و شهروندان را اجرایی کرد. با توجه به اینکه بحرانی بی‌سابقه در طول ۵۰ سال اخیر در بهشت زهرا(س) روی داده و تاکنون مورد مشاهده نداشته است و به لحاظ عدد و رقم هم با بحران غیر قابل تصور بوده به نحوی که در هر سه موج سهمگین حادث شده و در موج اخیر، در بسیاری از روزها عدد و رقم ورود و پذیرش متوفی کرونا در سایت بهشت زهرا(س) در بالاترین تعداد غیر قابل پیش‌بینی در کنار تعداد متوفی عادی صورت گرفته است که معمولاً حدود ۲۰۰ متوفی عادی ثبت شده که این عدد و رقم با نگاهی به بحران‌های حادث‌شده در گذشته، بی‌سابقه بوده است. همچنین تمامی بحران‌های کشور معمولاً در یک یا دو روز با حتی حداکثر هفت روز در بخش مدیریت اجساد به پایان می‌رسد، در حالی که این بحران بیش از ۱۷ ماه است که حادث شده و انتها و پایانی نیز برای آن مشخص نیست. آمار فوت‌شدگان به علت کرونا با احتمال کرونا براساس جواز فوت صادره از سوی پزشکان از ابتدای اسفند سال ۱۳۹۸ تا پایان روز ۱۴ اردیبهشت سال ۱۴۰۰ شامل ۲۸۷۸۱ متوفی (۱۷۳۶۲ مرد و ۱۱۴۱۹ زن) در سایت سازمان بهشت زهرا(س) ثبت شده است که در این میان، تعداد ۲۰۳۹۴ متوفی در سازمان و در قطعات مورد درخواست خانواده و بستگان متوفی که متقاضی آن بوده‌اند دفن شده و تعداد ۸۳۸۷ متوفی به خارج از سازمان (شهرها و شهرستان‌ها) حمل و انتقال داده شده‌اند. به این ترتیب در نگاهی گذرا به پنج موج سهمگین کرونایی کشور در بهشت زهرا در موج اول در دوم اسفندماه سال ۹۸ با یک فوتی و در اوج آن با ۱۱۹ فوتی روبه‌رو بودیم، در موج دوم ۹ اردیبهشت سال ۱۳۹۹ با ۹ فوتی شروع و در اوج به ۱۱۶ فوتی رسید، در موج سوم ۱۷ شهریور ۹۹ با ۴۱ فوتی شروع و در اوج به ۱۷۳ فوتی رسید. در موج چهارم در ۲۸ اسفند ۹۹ با ۹ فوتی شروع و در اوج به ۱۵۶ فوتی رسید و در موج پنجم که ۱۳ تیرماه سال جاری با ۵۵ متوفی شروع شده، در اوج به ۲۱۶ متوفی رسیده و روزهای ملتهب همچنان ادامه دارد.

**واکسیناسیون کامل کارکنان شهرداری تهران تا پایان شهریورماه**

● شرق: حمید چوبینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم، در نشست خبری که به بررسی روند واکسیناسیون کارکنان شهرداری اختصاص داشت، گفت: طبق قانون شهرداری مراقبت در امور بهداشتی جزو وظایف شهرداری است و کمک به امر واکسیناسیون یکی از مباحثی بوده که برای شهرداری تعیین شده است. وی با اشاره به صدور مجوز از سوی رئیس‌جمهور وقت به سازمان و نهادها و بخش خصوصی برای خرید واکسن گفت: براساس این مجوز ما اعلام آمادگی کردیم برای شهرداری و بازنشستگان واکسن بخیریم و تضمین لازم را با موافقت شهردار تأمین شد؛ اما سیاست‌های کشور به‌گونه‌ای رقم خورد که این بحث عقیم ماند. چوبینه گفت: تا اینکه چندی پیش رهبری اولویت اصلی کشور را کرونا و واکسیناسیون تعیین کردند تا واکسن با تیراز بیشتر وارد کشور شود و از روزی که فرصت پیدا شد و معاونت ستاد کرونای تهران امکان خرید واکسن برای کارکنان و بازنشستگان شهرداری را فراهم کرد. اقدامات لازم آغاز شد. با همراهی شهرداری و وزارت بهداشت بیش از ۱۳ هزار نفر از کارکنان شهرداری تاکنون واکسینه شده‌اند؛ یعنی روزانه با این تعداد واکسیناسیون از مرگ هشت نفر جلوگیری می‌شود. مدیرعامل شرکت شهر سالم گفت: درصد مرکزومیر در سنین پایین به بیش از ۶۰ درصد رسیده و اگر واکسیناسیون انجام نمی‌شد، بیشتر هم بود. وی با بیان اینکه روزانه بیش از سه‌هزارو ۵۰۰ نفر از شهروندان تهرانی و کارکنان شهرداری در دو پایگاه واکسیناسیون شهرداری در حال واکسینه‌شدن هستند، گفت: به‌زودی نمایشگاه پارک گفت‌وگو هم به‌عنوان مرکز واکسیناسیون به این مراکز افزوده می‌شود.

بنا دارم درباره یک بیماری، یک مرض افتاده به جان انسان مرضی‌احوال این روزها، برایتان بنویسم. بلایی که نهادستان- گشتل افسارگسیخته تمدن انسان، نغز بازی‌ای کرد تا او را پیش‌آموزگار بنشانند؛ شاید یک ضرورت. نوشتن اما کنشی یک‌طرفه است پس ترجیح می‌دهم اسمش را گفت‌وگو بگذارم و به ضرورت، نوشتاری ملفوظ را به قامت نوشته مکتوب درآورم. در این صورت مخاطب، که شما باشید، شاید بعد آن فرصت بیاپید نظرات را برایم بگویید و به این قرار یک‌گپ‌گفتنی سازنده شکل خواهد گرفت. قرار را گذاشتم به اینکه به گفت‌وگو، مثنی توصیه پزشکی و علمی نباشد؛ چون اولاً «دردتان نهفته به ز طبیعان مدعی!» و ثانیاً حالا احتمالاً همه از من بیشتر و بهتر درباره این مرض می‌دانند. می‌خواهم زبان سخن‌گوی گفتار را بسیار به موجودی و بلند و گاهی دلخراش دارد. هدف این است که از دهان و زبان او کلاهی متفاوت با آنچه شیاع علن این روزهاست بشنوم. حرف‌هایی از زبان یک «چیز» از چیزهای جهان که ما هنوز که هنوز است با همه بگیر و ببند و افاده‌های علمی‌مان، بر سر زنده‌بودن یا نبودن و جیستی و ماهیت سلول‌هایش بحث می‌کنیم. این موجود که روی کاغذ باید به راحتی آب‌خوردن، آلت دست شناسایی می‌شد، به سرعت برق و باد، سوز‌های را که ما باشیم منقاد خودش کرد و برای جسم کوچک و ناقصش اعتباری به هم زد که شنیدنی است و ما با چشمان‌مان دیدهایم و شنیدن کی بود مانند دیدن! پس امیدوارم و البته در صورت وجود گوش شنوا، مطمئنم که این جلسه گفت‌وگو حداقل به اندازه قدر و البته مرتب معلمی که با ما حرف خواهد زد، کارگر و مؤثر باشد. حقیقتش را بخواهید، با همه اطلاعاتی که تا این لحظه از این معلم توانا به ما رسیده و من از آنها کم‌وبیش اطلاعاتی دارم، هنوز نمی‌توانم حتی حدود آن ساعتی از شبانه‌روز را که او لباس جدیدش را به تن کرد و برای مأموریتش از خانه بیرون زد، حدس بزنم؛ اما یک حس نامعلوم می‌گوید باید دمدمه‌سازمانی صبح بوده باشد. نمی‌توانم چطور و چرا گمانم این است که اولین بیرون آمدن و سر کلاس آمدنش را باید در توافقی دوطرفه با خورشید عالم‌تاب که مظهر نور و آگاهی است، هماهنگ کرده باشد. حتی بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم خورشید سخاوتمندانه به او پیشنهاد همراهی را به مخاطب بگوییم و در مقام درمانگر هم صدای صبحی بیدارش کرده است که یک وقت خواب نماند. لابد مربوط به این است که من همیشه معتقدم عوامل دست‌اندرکاران مدرسه ممتاز و نمونه «طبیعت» بی‌هدد و برنامه کاری انجام نمی‌دهند و بی‌گدار به آب نمی‌زنند. به هر حال به هر شکل و به هر وقت، شورش کلاس درس بی‌سروصدا باشد؛ اما حرف‌ها و سخنونه‌نشده‌های آن کلاس، سازهایی شدند که صدایشان چند وقت بعد درآمد و اگر برسید که چرا می‌گویم چند وقت بعد؛ جواب‌ات این است که آدمیزاد ذاتا شاگردی است که گوش شنوای درستی ندارد و زبانش دست‌کم چندین برابر گوش‌هایش کار می‌کند و همین سروصدا و لقلقه زبانش همیشه باعث می‌شود حرف معلم یا به گوشش نرسد یا اگر رسید؛ از آن یکی گوش دربیورد. عوض عوامل مدرسه طبیعت غالباً خیلی حرف نمی‌زنند و بیشتر اهل عمل‌اند. اصلاً همه هستی. جز آدمیزاد، نحوه‌کارش همین است. ساعتش را درست‌کوک می‌کند، سر وقت بیدار می‌شود و برنامه از قبل طراحی شده‌اش را اجرا می‌کند و با عواملش هم خوب و بجا و درست و در ارتباط و هماهنگی است. مزیت بزرگ دیگر دم و دست‌گامه طبیعت این است که با همه مشغله‌اش (که یکی از آنها مشغله آموزگاری انسان است و موضوع بحث ما) با کسی سر‌ناسازگاری ندارد؛ مگر اینکه کسی سر دماش را لگد کند که متأسفانه اکثر اوقات این کار خلاف را فرزند ناخلفش می‌کند؛ آدمیزاد بچه‌تنتغش و بدقلقش، بچه‌ای که با بساط و نشست‌وبرخاست کرده و خاندانش را گم کرده است. بچه آدم احترام بزرگ‌ترهای خاندان را که خیلی‌هایشان میلیارد و میلیون و کلی سال عمر دارند، نگه نمی‌دارد. این بچه نارس خصوصاً از وقتی با «عقل» هم‌داستان شد و نشست و برخاست کرد، جز تسخیر و ویرانی چیزی برای والدین صورش نداشته است و سال‌های اخیر به پشتوانه تکنیک و برتری اندیشه و نظام سرمایه‌گند کار درآمد. بیشتر از قبل، برای یکی تله می‌گذارد، آن یکی را قطع می‌کند، با کمک رفیقش طیاره درست می‌کند و هر جایی که دوست دارد سرک می‌کشد و بی‌محابا جوب به کرده هر هستنده‌ای دم دستش برسد می‌زند. «عقل» را هم خود‌تنباهای طبیعت گذاشتند توی دامنش که هم از تنهایی دریابید و هم در رنق و فتق امورات دنیا به بابا و مادر پیروالس کمک کند و به تعبیری چوپان هستی باشد که متأسفانه زوجی ناطور از کار درآمدند و وضع این‌طور شد که درموردش سخن می‌گوییم. مطلب دارد طولانی می‌شود و به جای گفتن دو کلمه حرف درست و درمان، کار به غیبت آدمیزاد که خودم هم یکی‌اش باشم، کشید! بیخشد. به سنت آدمیزادی چانه‌ام به حرف‌زدن گرم شد و اصل مطلب داشت از دست می‌رفت. بیایم سر موضوع اصلی و جانم برایتان بگوید که آن روز زمستان حدود دی‌ماه ۹۸، خانم یا آقای ویروس «کووید» با لباس جدیدی که آدمیزاد ناچارش کرده بود بیوشد و علت ناچاری‌اش را تا پایان مطلب می‌فهمید، ناشناس بیرون زد تا یک دوره فشرده درسی برای آدم برگزار کند و «و بنشانندش پیش آموزگار»، معمولاً مدرسه جهان روی دوره‌هایی که برگزار می‌کند، اسم و رسمی نمی‌گذارد یا دست‌کم اعلام عمومی‌اش نمی‌کند؛ اما من فکر می‌کنم اسم دوره آموزشی باید چیزی شبیه این باشد: «کمی «آدم»-تر باش!»، میانه‌های زمستان وقتی اولین گفت‌وگوها از شیوع بیماری ویروسی ناشناخته بلند شد، مثل موارد مشابه دیگر که هر چند سالی یک بار سرمی‌زند و دستی به سر و گوشمان می‌کشید، هم‌زمان خیال برمان داشت که چندوچون و ماجرایش چیست و ته دل‌مان قرص و محکم بود که این‌غائله هم خیلی دوام نمی‌آورد. قدرت و قابلیت علم نوین و دستاوردهایش این غرور و اطمینان را آورده بود و کمتر کسی گمان می‌کرد

## جامعه

**کرونا و انسان****مجتبی تجلی . پزشک و نویسنده**

بشر و توانایی‌اش به‌زودی چنین به دست کوچک‌ترین عضو حیات، زمین‌گیر خواهد شد؛ اما آن موجود کوچک که عموماً با سهواً به دست آدمی شکل گرفته بود، وجه ناتوانی انسان را بدون هیچ ترحم و ملاحظه‌کاری‌ای پیش چشمش آورد. برای همین دوست دارم با وجود همه مصیبت‌هایی که این موجود کوچک سر ما آورده است، اسم «آموزگار» را رویش بگذارم. بیایید اول به وجوه منفی ویروس کووید بپردازیم و دینمان را به آسیب‌دیدگان از آن که همه‌مان هم جزئی از آنها هستیم، ادا کنیم تا متهم به بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی نشویم. بعد خودمان را سرخرمان‌بنشانیم و ببینیم و درباره‌اش حرف بزنیم که ما چه کرده‌ایم که موجودی به این‌ریزی با چنین نژادست‌های ما را مشمول «خود کرده را تدبیر نیست» کرد. میلیون‌ها مرگ و ناتوانی جسمی، فراوان هزینه روانی و بی‌وقفه آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی چیزهایی نیستند که بتوان به‌سادگی از آن گذشت. در واقع من، شاید بیشتر از خیلی از جامعه، به‌عنوان عضوی از جامعه سلامت، حجم و بسط آسیب را با تمام وجودم درک و با آن زندگی کرده‌ام. روزهایی که نمی‌توانستیم حداقل‌های روش‌های پیشگیری را به مخاطب بگوییم و در مقام درمانگر هم صدای دست‌اوچتن به دامن روش‌های کزور و بی‌هدف و گاهی متناقض چیزی دم دست نظام سلامت و عواملش نبود. حتی امروز هم بعد از سپری‌کردن یک سال و خرده‌ای پیشگیری و به مخاطب بگوییم و در مقام درمانگر هم صدای دست‌اوچتن به دامن روش‌های کزور و بی‌هدف و گاهی متناقض چیزی دم دست نظام سلامت و عواملش نبود. حتی امروز هم بعد از سپری‌کردن یک سال و خرده‌ای هم‌جواری با آن، جامعه علمی جهان چیزی برای خلاصی قطعی از همه‌گیری کرونا در دست ندارد و دورنمای مبارزه و توقف آن هنوز هم متأسفانه خوشایند دوش داریم محصول و دستاورد منفی ما در به خود واکنداشتن طبیعت و هستی بدانم. محصول علوم

تجربی که غرور می‌آورد و رضا نمی‌شود خود را در پیوند با دانش اصیل و ضروری هستی‌شناسانه قرار دهد و پایی از آن می‌گریزد. ما قرار بود نه در مقابل هستی باشیم بلکه دربودگی با جهان و سایر هستنده‌ها را پیشه کنیم. کسی شک ندارد که ما چنین نکردیم و عوض چنان کارهایی کردیم که روزی (قبلاً گفتم که ساعتش را نمی‌دانم اما به نظر می‌باید با طلوع خورشید بوده باشد) چند ژن پوشیده در غلافی از پوست و گوشت بدن خودمان کفش و کلاه کرد و صبر سرآمده جهان را گسیل کرد. اگر معترض می‌شوید که این وسط گوشت و پوست ما چه گناهی دارد باید بگوییم هر ویروس برای زنده‌ماندن پوسته‌ای از جنس سلول‌های میزان دور خودش می‌کشد و ویروس کووید هم این کار را کرد. پس پوستین بره را خودمان با انگلک‌های پیایی خواسته و ناخواسته (فرق زیادی می‌هم نمی‌کند عمدی بوده باشد یا سهواً) به سر گرگ کشیده بودیم و او را روانه کله‌مان کردیم. ما را بیخشد. به عنوان یک طبیب باید بد و بیراه تشار کووید و کوویدها می‌کردم اما از ابراز این عقیده و فکرها هم چاره‌ای نمی‌بینم. چون با خودم می‌گویم دست‌کم شاید خود خود من از این تجربه عذاب‌آور به قدر کوچکی همان ویروس درس بگیرم و از این به بعد کمی با جهان مهربان‌تر و دوستدارتر باشم. بیایید به مورس مترلینک (آن ناتورالیست متفکر) دوباره ادای احترام کنیم برای آن تردیدش درمورد تمدن‌مان. آتجالی که به این مضمون نقل کرده بود: «از کجا معلوم که موربانه‌ها سال‌ها قبل از انسان به تمدنی والا دست نیافته باشند و سپس از شکست و دیدن مصیبت‌های آن به متفک‌های زیر زمین پناه نبرده باشند؟». بی‌تعارف باید بی‌زیریم که تمدن ناخردانه آدمی دست‌کم یک سال و اندی است از جبری که محصول کارهای خود اوست به متفک دلگیر و پراضطراب ظرفینه‌خریده است. چه خوب می‌شود که هر وقت مجالی یافت که اندکی از این پناهگاه اجباری خود به بیرون سرکی بکشد و نفسی تازه کند، در برخورد خودخواهانه و تسخیرگر و مخربش با جهان تجدید نظر کوچکی داشته باشد. این نه خواسته من و نه تقاضای اندیشمندان و فلسفه‌ورزان که نام بعضی را در بالا آوردم بلکه یک بانگ برصلاطت و قاطع از جهان و هستی است که هر چه دیرتر بشنومیش از پیش و دوباره‌ها و دوباره‌ها کرونایی‌تر خواهیم شد. از نوشتن این گفته‌های آن آموزگار کوچک بی‌صدا بگذرم که هم جگال کم و اگر در خانه کس است همین بس است و سر آخر دوباره و به وظیفه انسانی بروم سر کارم و طبیعی کنم. اگرچه خودم معتقدم انعکاس آن صدا در نهایت و غایت از هر دستورالعملی برای نوع بشر کاملاً مرتد است. پس حرف آخرم باید چنین چیزی از آب دربیاید: «دستورات و پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کنید، بند خود را تقویت کنید، مواظب همدیگر باشید و اگر نوبت واکسن‌تان شد حتما بزنید».

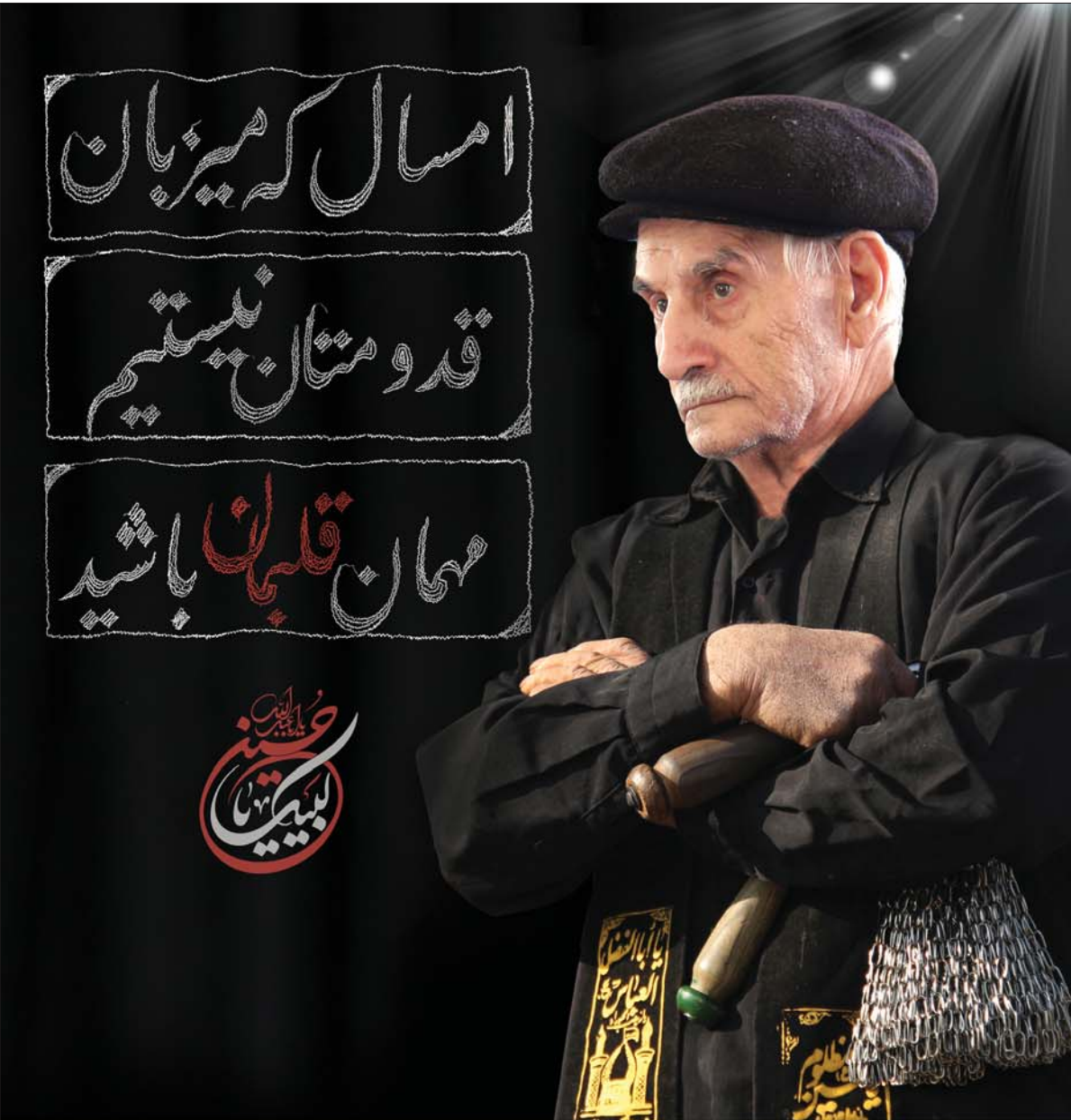
## خبر

**کاهش ۲۷ درصدی زادوولد در چهار سال اخیر**

● شرق: مطابق با آمار منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران مجموع تعداد ولادت‌های ثبت‌شده در بهار، تابستان، پاییز و زمستان ۹۹ با یک‌میلیون و ۱۱۴هزارو ۱۵۵ نوزاد در سال گذشته است. آمار ولادت‌های ثبت‌شده در سال گذشته در قیاس با همین آمار در سال ۹۸ (یک‌میلیون و ۹۶هزارو ۱۳۲ ولادت) نشان از کاهش ۶.۸ درصدی زادوولد در سال ۹۹ دارد. بیش از نیمی از متولدان سال ۹۹ از پسران تشکیل می‌دهند. در واقع تعداد ولادت‌های ثبت‌شده برای پسران در سال گذشته ۵۷۵هزارو ۱۹۳ مورد و تعداد ولادت‌های ثبت‌شده برای دختران در همان سال، ۵۳۸هزارو ۹۶۲ مورد بوده است؛ بنابراین ۵۱.۶ درصد از تعداد کل متولدان سال گذشته پسر هستند. به طور کلی آنچه از آمارها برمی‌آید، زادوولد در کشور در سال ۹۶ با کاهش ۲.۶ درصدی، در سال ۹۷ با کاهش هشت‌درصدی، در سال ۹۸ با کاهش ۱۲درصدی و در سال ۹۹ با کاهش ۶.۸درصدی در قیاس با همین آمار در سال پیشین خود مواجه بوده است. میزان کاهش آمار ولادت‌های ثبت‌شده در سال ۹۹ در قیاس با چهار سال قبل یعنی سال ۹۵ نیز ۲۷ درصد است.

**«ازن» آلاینده شاخص بیشتر روزهای آلوده تهران در تیر و مرداد**

● ایسنا: مدیر واحد پایش شرکت کنترل کیفیت هوای تهران اظهار کرد: کیفیت هوای پایتخت طی دو ماه نخست تابستان امسال در مجموع ۱۹ روز بالاتر از حد مجاز قرار داشت که طی این روزهای آلوده، «ازن» ۱۵ روز و «ذرات معلق» چهار روز آلاینده شاخص هوا بودند. محسن روشنی، ضمن بیان اینکه کیفیت هوای طی دو ماه نخست تابستان امسال نسبت به سال قبل در شرایط بهتری قرار داشته و از تعداد روزهای آلوده شامل روزهای ناسالم برای گروه‌های حساس و همه افراد جامعه کاسته شده است، اظهار کرد: کیفیت هوای تهران در تیرماه سال گذشته ۱۱ روز و در مردادماه همان سال ۱۷ روز در شرایط قابل قبول قرار داشت. درحالی‌که تعداد روزهای قابل قبول هوای تهران طی تیرماه امسال به ۱۷ روز و در مردادماه به ۲۶ روز رسیده است.

**امسال که میزبان قدومتان نیستیم، میهمان قلبان باشید...****با همدای نذورات خود به موسسه خیریه که‌ریزک، ما را یاری کنید.****راه‌های مشارکت جهت اهدای نذورات:**

روابط عمومی: ۰۲۱-۸۸۳۱۰۶۸۸  
کمک‌های مردمی: ۰۲۱-۴۲۱۱۴۰۰۰

۰۲۱-۴۴۷۰۰۱۰۱-۰۸۷۰-۵۰۲۹



موسسه خیریه که‌ریزک  
مرکز نگهداری، درمان  
آموزش معلولین و سالمندان  
فرهنگی، غیرتجاری، مردمی  
www.kahrizakcharity.com